

تحلیل کهن‌الگویی انیمیشن «در این گوشه دنیا» براساس دیدگاه «فرایند فردیت» یونگ

حنانه یعقوبی^{۴۵}

نیر طهوری^{۴۶}

چکیده

کشور ژاپن دارای پیشینه کهن و ماندگار است. این کشور تاریخی، روزهای سخت و آسان بسیاری به خود دیده‌است. در دوران جنگ جهانی اول و دوم، ژاپن یکی از کشورهای مورد آسیب دیده محسوب می‌شود. در انیمیشن «در این گوشه دنیا» که در سال ۲۰۱۶ و براساس «مانگا»، کمیک یا رمان تصویری، ساخته شده؛ به جنگ جهانی دوم و حادثه «هیروشیما» پرداخته‌است. ژاپن، در این دوران دارای یک امپراتوری عظیم بود که به علت جنگ جهانی دوم با کشور چین وارد جنگ شد. در این مقاله سعی بر آن شده که شخصیت اصلی انیمیشن «سوزو»، داستان براساس دیدگاه «فرایند فردیت» یونگ مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد. یونگ در فرایند فردیت، انسان را به گذران مراحل دعوت کرده تا پس از گذران آن‌ها به پختگی و کمال برسد. بنابراین، این پژوهش به دنبال آن است که مسیر کمال سوزو را برای رسیدن به حقیقت زندگی و حقیقت خود او بر مبنای فرایند بیان شده توسط یونگ، نمایش دهد. پرسش اصلی در این گفتار، نحوه تطبیق فرایند بیان شده با انیمیشن است. این پژوهش، بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و از داده‌های کتابخانه‌ای نیز بهره گرفته شده‌است. در نهایت، نتایج چنین نشان داد که انیمیشن «در این گوشه دنیا»، با نظریه «فرایند فردیت» یونگ قابل خوانش است و می‌توان مراحل گفته شده توسط یونگ؛ همانند: پیرخرمند، نقاب، سایه، آنیما و آنیموس را در این انیمیشن مشاهده نمود.

کلیدواژه: یونگ، فرایند فردیت، انیمیشن، در این گوشه دنیا، روانکاوی، ژاپن، کهن‌الگو.

⁴⁵ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد . Hananeyaghoubi1993@gmail.com. اسلامی، تهران، ایران

⁴⁶ دکتری تخصصی پژوهش هنر، عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ntahoori@gmail.com. ایران.

مقدمه

در نوشتار حاضر، پژوهش‌گران به بررسی پیرخرمندی، نقاب، سایه و آنیموس در انیمیشن مورد نظر پرداخته و مسیر رشد روحی «سوزو» را براساس این مفاهیم مورد تحلیل قرار داده‌اند.

پیشینه پژوهش

در رابطه با دیدگاه یونگ، کتب و مقالات بسیاری به چاپ رسیده است که در اینجا به تعداد محدودی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«تحلیل نماد انسان در آثار منتخب علی‌اکبر صادقی بر پایه روانشناسی تحلیلی یونگ» (بهاره خردمند و مریم خردمند، ۱۴۰۰)، در این مقاله خردمند به بررسی آثار صادقی و تجلی درونیات هنرمند توسط دیدگاه یونگ پرداخته است. «تحلیل نموده‌های روانی اسطوره‌ها در شعر احمد شاملو و امل دنقل براساس اصل تضاد یونگ» (فریدون طهماسبی و همکاران، ۱۴۰۰)، طهماسبی و همکاران در این نوشتار به مقایسه آثار شاملو و دنقل پرداختند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که هر دو شاعر توسط تکنیک پرسونای یونگ به بررسی درونیات خود در شعر پرداخته‌اند. «تحلیل رمان خانه پریان اثر توج زاهدی بر مبنای الگوی فرایند فردیت یونگ» (مینا مصطفوی منتظری و همکاران، ۱۳۹۹)، نویسندگان در این جستار به مراحل صعود انسان توسط فرایند فردیت یونگ پرداخته و مراحل همچون: نقاب، سایه، آنیما و آنیموس را در رشد و شناخت انسان بررسی کرده‌اند.

«بررسی و تحلیل کهن‌الگوها در اسطوره‌های شاماران از منطقه موکریان براساس آرای یونگ» (بهمن نامور مطلق و علیرضا عزیزی یوسفکند، ۱۳۹۹). در این پژوهش نیز کهن‌الگوهایی همانند: مادر مثالی، پیر فرزانه، ولادت مجدد، آنیما و آنیموس در اسطوره‌های شاماران بررسی گشته و در نهایت به تکامل و شناخت روان جمعی مردمان رسیده است. «تحلیل اسطوره‌های کودک ره‌اشده در شاهنامه از دیدگاه روان‌شناسی یونگ» (زهرا شیردل و ابوالقاسم رحیمی، ۱۳۹۶)، در این گفتار نیز پژوهندگان، به اهمیت کهن‌الگوی ره‌اشده در داستان‌های اساطیری پرداخته و این دیدگاه را در ۱۲ شخصیت شاهنامه فردوسی مورد بررسی قرار داده‌اند.

در رابطه با انیمیشن نیز کتب و مقالاتی وجود دارد که در ذیل تعدادی از آن معرفی می‌شوند:

قصه‌ها و افسانه‌های موجود در تاریخ هر ملتی، نشان‌دهنده روزهایی است که بر آن ملت و کشور گذشته است. بسیاری از این افسانه‌ها، نسل‌به‌نسل و سینه‌به‌سینه، میان مردم رواج پیدا کرده و به مرور در کتاب‌ها و فیلم‌ها و انیمیشن‌ها ثبت گشته است؛ اما بسیاری از روزهای رفته بر مردمان را نمی‌توان به راحتی برای نسل‌های بعدی و کشورهای دیگر بازگو کرد. آنچه میان تمام مردمان و تمام آیین‌ها یکسان بوده، گذران «رنج جنگ» است. «جنگ»، این رویداد خانمان‌سوز، موجب دگرگونی‌هایی خواهد شد که با گذشت سال‌ها نیز نمی‌توان آن را به درستی مورد بررسی قرار داد. «جنگ جهانی دوم»، یکی از بزرگترین جنگ‌هایی بود که هنوز بسیاری از مردمان بار سنگین روحی، روانی و جسمی آن را بر دوش می‌کشند.

انیمیشن «در این گوشه دنیا»^{۴۷}، که توسط «سونائو کاتابوچی»^{۴۸} براساس مانگایی با همین نام در سال ۲۰۱۶ ساخته شده، جنگ جهانی دوم و تأثیر آن بر مردم را به خوبی نمایش داده است. واقعه «هیروشیما» در این اثر نمایش داده شده و تغییر و تحولات شخصیت‌های این انیمیشن و فقدان و عادت به آن به درستی شکل گرفته است. یونگ که به عنوان یکی از شکل‌دهنده‌های مکتب روانکاوی است، به خوبی به تحلیل شخصیت انسان و تغییر و تحولات روحی او پرداخته است. نمایش حالات روحی و روانی انسان، یکی از نکات مهم در ادبیات داستانی امروز است. بیان درد و رنج آدمی در کنار تغییر و تحولات اجتماع، از مهم‌ترین دغدغه‌های هنرمندان در دنیا شده است. داستان‌ها روایتگر گفتمان و شرایط حاکم بر جوامع هستند. بر این اساس از انیمیشن «در این گوشه دنیا»، برای نمایش حالات روانی انسان و تغییر آن استفاده شده است.

در این مقاله، سعی بر آن است که به این پرسش پاسخ داده شود که آیا نظریه فرایند فردیت یونگ، در خوانش این انیمیشن محقق است؟ و اینکه سوزو با گذران مراحل این نظریه چگونه به پختگی و کمال می‌رسد؟ سوزو انسانی است که مجبور می‌شود از همه چیز خود بگذرد و تنها به «بقا» فکر کند. جنگی که همه چیز یک انسان را از او می‌گیرد و محرومیت‌های روحی، روانی و جسمی را شامل حال او می‌کند؛ اما سوزو با روحیه سازش‌پذیر خود به تغییرات تن داده و روزبه‌روز بزرگ‌تر و پخته‌تر می‌شود. در این مقاله به بررسی مفاهیم بیان شده توسط یونگ در نظریه «فرایند فردیت»^{۴۹} پرداخته و شخصیت اصلی این انیمیشن توسط آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

47 In This Corner of The World

48 Sunao Katabuchi

49 Individuation

«تلفیق تک اسطوره سفر قهرمان و کهن‌الگوی زن وحشی در انیمیشن ژاپنی شهر اشباح (۲۰۰۱)» (وجهه گلمزاری و علی شیخ‌مهدی، ۱۳۹۳)، در این گفتار به بررسی نقش قهرمان در نظریه جوزف کمپبل و تلفیق آن با نظریه «کهن‌الگوی زن وحشی» کلاریسا استس پرداخته شده و در نهایت به این نتیجه رسیدند که مرحله آشتی با پدر و ملاقات با خدایانو در این انیمیشن استفاده نشده و مرحله برقراری ارتباط با زن وحشی به جای آن‌ها وجود دارد. «مطالعه تطبیقی نشانه-معناشناسی مضمون طلسم و جادو در انیمه شهر اشباح و انیمیشن سفیدبرفی و هفت کوتوله» (پیام زین‌العابدینی و مینا تاننده، ۱۳۹۸)، پژوهشگران در این نوشتار به بررسی نشانه‌ها و کشف روابط فرهنگی مانند: مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و هنر در دو انیمیشن بیان شده پرداخته‌اند.

«مطالعه نقش داستان‌های مصور و انیمیشن در شکل دادن به مفهوم هویت ملی در ژاپن در مقایسه تطبیقی با ایران» (محمدرضای حسناوی و سعیده‌سادات موسوی، ۱۳۹۷)، در این پژوهش به بررسی تأثیر انیمیشن بر التیام بخشیدن آثار روحی و روانی پس از جنگ در ژاپن پرداخته و سپس نتایج برآمده از آن را با ایران مقایسه کرده‌است.

روش پژوهش

گفتار حاضر توسط تحلیل کیفی کتابخانه‌ای و اسنادی و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و نمونه مورد پژوهش انیمیشن «در این گوشه دنیا»، اثر کاتابوچی است. در این پژوهش سعی بر آن بوده که تغییر حالات روحی و روانی شخصیت اصلی با نظریه فرایند فردیت یونگ مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری

کارل گوستاو یونگ^{۵۰}، یکی از مشهورترین شخصیت‌های روانکاوی تحلیلی پس از فروید محسوب می‌شود. او در بسیاری از نظریات خود از آرای استاد خود؛ یعنی زیگموند فروید^{۵۱} بهره گرفته و در برخی دیگر نیز آن‌ها را رد کرده‌است. فروید در نظریات خود به فرد و شکل‌گیری روان او در مثلث خانواده اشاره داشته و سرکوب‌های جنسی را از مهم‌ترین دلایل عقده بزرگسالی بیان می‌کند. در مقابل، یونگ این نظریه را به‌طور کامل قبول نمی‌کند و به رؤیای مشترک و جمعی در همه انسان‌ها اشاره می‌کند. این سه مفهوم: ناخودآگاه جمعی^{۵۲}، نمادها^{۵۳}، کهن‌الگوها^{۵۴} دید اصلی یونگ را پدید آورده‌است. او ناخودآگاه جمعی را ریشه روانی در تکامل همه انسان‌ها می‌داند و آن را مخزنی از تجربیات گذشتگان نشان می‌دهد. ناخودآگاه جمعی در همه انسان‌ها وجود دارد و می‌توان آن را ریشه‌دار در همه انسان‌ها نشان داد. او اغلب رفتارهای بیرونی انسان‌ها را در این ناخودآگاه جمعی نمایش داد. «تأکید او بر تحلیل نمادها و

اساطیر است. به باور یونگ، کهن‌الگو بخشی از ناخودآگاه جمعی انسان و نماد، زبان ناخودآگاه است که در رؤیاهای آدمی ظاهر می‌شوند» (خردمند، ۱۳۹۹، ۱۰۳). بنابراین، علاوه بر ناخودآگاه فردی، ناخودآگاه جمعی نیز در آرای یونگ اهمیت دارد؛ یونگ بسیاری از تصمیمات فرد را ناشی از آنچه در ناخودآگاه جمعی و مشترک او با دیگران از دیرباز تا امروز است، می‌داند. «یونگ بر این باور است که همه انسان‌ها افزون بر ناخودآگاه فردی و نژادی دارای ناخودآگاه جمعی و جهانی‌اند. بنابراین سخنان یونگ و یاران او، آنچه در ناخودآگاه فردی و جمعی انسان‌ها به چشم می‌خورد، عبارت از ایماژها، الگوها و اشکال جهانی از تجربیات انسانی است که به آن کهن‌الگو می‌گویند (باین، ۱۹۹۱، ۱۳۹۹). بعضی از این کهن‌الگوها درون ناخودآگاه آدمی حضور دارند و موجب ورود آدمی به تاریک‌ترین و ناشناخته‌ترین بخش روان خود می‌گردند.

«کهن‌الگوها نخستین مرحله تصویرسازی نزد انسان هستند و دقیقاً از همین رو بسیار گنگ و مبهم‌اند. پدر، مادر، آسمان، زمین، درخت، کوه و بسیاری دیگر همگی کهن‌الگو محسوب می‌شوند» (نامورمطلق، ۱۳۹۷، ۲۸). رؤیایها و خواب‌ها موجب دیدار این نمادها و تحلیل آن‌ها موجب شناخت و درک بیشتر خود می‌شود. کارل گوستاو یونگ، روانشناس سوئیسی، فرایند ناخودآگاه را به مدت بیست سال مورد بررسی و پژوهش قرار داد. «یونگ بر این امر تأکید دارد که طبیعت، نه نمادی انضمامی است و نه انتزاعی، نه معقول است و نه نامعقول، نه واقعی است و نه غیرواقعی، نه پیدا است و نه پنهان؛ بلکه همواره هردوی آن‌ها است» (مورنو، ۱۳۷۶، ۴۸). مذاهب، کیمیاگری، جادوگری، اسطوره‌شناسی و استفاده از علوم مانند: ریاضیات و علوم طبیعی باعث شد که یونگ به شکل دیگری به نمادها بپردازد.

«بر این اساس، یونگ نماد را «فرانمودی انسان‌انگارانه» از چیزی مافوق بشری تعریف می‌کند که حاوی تصویری است که غالباً از آگاهی فراتر رفته و به ذهن احساسی از رموزوار می‌بخشد» (یونگ، ۱۳۹۵، ۴۰۸). بنابراین کهن‌الگوها به دو دسته آگاهانه و ناآگاهانه تقسیم می‌شوند که در بخش آگاهانه به بیان عوامل و شرایط بیرونی و آن چیزهایی که در ناخودآگاه درونی پدید آمده، می‌پردازد. در مقابل بخش ناآگاهانه در خواب و رؤیا شکل می‌گیرند، آن‌ها سرچشمه حقیقی وجود انسان بوده و شخصی‌ترین بخش وجودی انسان را در معرض نمایش می‌گذارند. در اینجا لازم است به تفاوت میان کهن‌الگو و نماد نیز اشاره شود: کهن‌الگو براساس آنچه در بالا ذکر شد؛ نخستین تصویرسازی‌های انسان هستند که به عنوان تصاویر جهانی و سرمدی شناخته شده‌اند، کهن‌الگوها در ذهن انسان‌ها ثابت بوده و رابطه‌ای نظام‌مند باهم دارند؛ اما در مقابل نمادها، کهن‌الگوهای فرهنگی شده هستند که درگیر محدودیت زمانی و مکانی گشته‌اند. می‌توان گفت در خواب، رؤیا و در هنگام خلق اثر ادبی و هنری، به وفور می‌توان لایه‌های کهن‌الگویی بیان شده توسط یونگ را مشاهده نمود.

⁵³ Symbol
⁵⁴ Archetype

⁵⁰ Carl Gustav Jung
⁵¹ Sigmund Freud
⁵² Collective Unconscious

قهرمان خود توان آن را ندارد، معرفت مورد نیاز برای جبران کمبود به صورت فکری مجسم؛ یعنی در قالب همین پیر دانا و یاری‌دهنده جلوه می‌کند» (یونگ، ۱۳۶۸، ۱۱۲).

سایه، آن ویژگی‌های منفی فردی است که انسان برای تحول یافتن باید از آن‌ها گذر کند. سایه بخش تاریک بعد انسان است که توسط او انکار شده و بایستی مهار گردد. «اگر بخواهیم از سایه خویش آگاه شویم، باید به جنبه‌های خبیثانه شخصیتمان چنان بپردازیم یا با آن روبرو شویم که گویی آن جنبه‌ها حی و حاضر و واقعی‌اند. تلاش برای ادغام سایه در شخصیت، باید با اذعان به این حقیقت صورت بگیرد که ما -مانند هر انسان دیگری- از چنین خصلت‌های خبیثانه‌ای برخورداریم» (بیلستر، ۶۶).

آنیما، وجه زنانه مرد را بیان می‌کند که بیانگر حالات روانی زنانه در روان مرد است. «آنیما، مظهر وفایی است که مرد گاهی به خاطر مصالح زندگی باید از آن چشم‌پوشد. او جبران بسیار ضروری خاطره‌ها و تسلیبخش همه تلخی‌های زندگی است و در عین حال شعبده‌باز بزرگ است» (یونگ، ۱۳۸۳، ۲۲).

آنیموس، وجه مردانه زن را نمایش داده و نمایشگر حالات روانی مرد در روان زن است. «آنیموس، مردان خدای‌گونه، متعهد و متعصب را دوست دارد و معمولاً عقایدی را ابراز می‌کند که بیش‌وکم جمعی‌اند. زنی که مسخر آنیموس خود شده باشد، همواره با خطر از دست دادن زنانگی‌اش روبه‌رو است» (مورنو، ۱۳۹۹، ۵۵).

نقاب، آن مفهوم کهن‌الگویی را شامل می‌شود که بیانگر پرده و حجاب است. این پرده و حجاب باید کنار رود تا آدمی به سلوک و مطلوب خود دست یابد؛ به عبارتی نقاب همان چهره ماقبل از حقیقت است. حقیقتی که آدمی را از کثرت به وحدت می‌رساند. این مرحله، همان مرحله‌ای است که سالک باید طی طریق کند تا پرده‌ها کنار رود. «فقط کسانی حقیقت زیبایی را درک می‌کنند که از طریق عالم مثال، به عنوان واسطه میان عالم محسوس و عالم روحانی، توان دستیابی به عوالم بالاتر وجود را دارند. همان‌ها که مقربان درگاه خداوند و برگزیدگان او هستند» (طهوری، ۱۳۹۱، ۱۲۸). یونگ، روح را متعلق به زمان گذشته و آینده می‌داند و برای آن تعلق به کهن‌الگوهایی جمعی معرفی می‌کند. او، شناخت خود را زمینه‌ساز شناخت خدا دانسته و مرحله‌ای را برای آن تبیین می‌کند. «یونگ روح را تابع عملکرد اعماق غیرقابل دسترس ناخودآگاه می‌داند. نیرویی از اعماق (خدا) به واسطه روح انعکاس می‌یابد و نمادها و تصاویر ایجاد می‌گردند. روح محتوا و نمادهای ناخودآگاه را درک می‌کند و خود را از طریق تصاویر کهن‌الگویی اظهار می‌دارد» (بدفورد، ۲۰۰۵، ۳۱).

در ادامه به جمع‌بندی مفاهیم یونگ در فرایند فردیت، داخل یک جدول اشاره می‌گردد:

یکی از نظریه‌های مهم در آرای یونگ، «فرایند فردیت» است. پختگی و رشد روانی انسان در این فرایند میسر می‌گردد، در این مسیر است که خودآگاه و ناخودآگاه فردی باهم یکی شده و دسترسی به لایه‌های فردی میسر می‌گردد. «به اعتقاد یونگ، نفس انسان، در بدو تولد هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است، با گذشت زمان آرام‌آرام رشد می‌کنیم و با از سر گذراندن فرایند فردیت آن کسی می‌شویم که هستیم» (بیلستر، ۱۳۸۷، ۶۱). در این مرحله است که فرد مرحله‌ای را گذرانده و تغییر و تحول می‌یابد. یونگ، اعتقاد دارد که انسان از آنچه به عنوان تغییر در مقابل خود می‌بیند، فرار کرده و می‌ترسد؛ اما در نهایت نوع بشر مجبور به تحمل بسیاری از ناملایمات و سختی‌هایی است که پس از فائق آمدن بر آن‌ها، «من» جدیدی را شکل می‌دهد. «کودکانه نه تنها به کسی می‌گویند که پافشاری بیش از حد برای ماندن در مرحله کودکی دارد، بل به کسی نیز گفته می‌شود که با جدایی خود از آن ادعا می‌کند چیزی که وی دیگر نمی‌بیند وجود ندارد؛ اما هر کسی در بازگشت به سرزمین کودکی با ترس کودکانه شدن مواجه است، بی‌اطلاع از اینکه هرچه خودبه‌خودی روانی است، دارای چهره دوگانه است: یکی به سوی آینده و دیگری به سوی گذشته، دو چهره دوگانه و در تداوم، نمادین، مانند هر واقعیت زنده» (یونگ، ۱۳۹۹، ۱۵۸). «در نیمه نخست زندگی که جهت‌یابی آن بیولوژیکی است، انسان عموماً دارای -به دلیل جوان بودن ارگانیسم وی- امکان تحمل توسعه حیاتی است تا از آن چیزی معتبر بسازد. او طبیعتاً در نیمه دوم به سوی یادگیری بیشتر دانش موضع‌گیری می‌کند؛ زیرا نیروهای روبه‌زوال ارگانیسم وی اجازه می‌دهند که گزینه‌ها در خدمت منافع فرهنگی باشند» (همان: ۱۷۳).

«جهان، نوعی شیوه هدایت را تحمیل می‌کند و آن‌ها که حرفه‌ای هستند، می‌کوشند خود را با آن همسو کنند. کسی که در این راه کامیاب می‌شود، کم‌مدع‌ترین است» (همان: ۲۷۸). این کامیابی وابسته به نوعی طی طریق است که باید توسط فرد طی شده تا به خودشناسی و هستی‌شناسی و در نهایت به خدائشناسی منتهی شود. بنابراین باید به مفاهیم مهمی که در نظریه فرایند فردیت یونگ نیز بیان گشته، اشاره داشت، این مراحل است که به رشد فرد کمک کرده و موجب کمال او می‌گردد. در این نظریه مفاهیمی چون پیرخردمند^{۵۵}، سایه^{۵۶}، آنیما^{۵۷} یا آنیموس^{۵۸} و نقاب^{۵۹} مطرح است. برای هر یک از این مفاهیم در ادامه توضیح کوتاهی بیان می‌شود.

پیرخردمند، آن اندیشه جهان‌شمولی محسوب شده که همواره در هیبت‌های متفاوت ظاهر شده و به فرد درگیر در مهنت و رنج کمک می‌کند. او فردی دانا است که نه تنها به این جهان؛ بلکه به رموز آن جهانی نیز مشرف است. «همیشه پیر وقتی ظاهر می‌شود که قهرمان به وضعی بسیار سخت دچار است، آن‌چنان که تأملی را از سر بصیرت و به عبارت دیگر، کنش روحی یا اعمال و واکنش‌های درون روانی می‌تواند او را از مخمصه برهاند؛ اما چون به دلایل بیرونی و درونی،

58 Animus

59 Persona

55 Philemon

56 Shadow

57 Anima

خلاصه فیلم

انیمیشن «در این گوشه دنیا»، روایتگر دختری سربه‌هوا و خیال‌پرداز به نام «سوزو» است. سوزو تمام دنیا را نقاشی‌ای بر روی بوم می‌بیند و برای اکثر اتفاقاتی که برای او می‌افتد، به نوعی خیال‌پردازی می‌کند. او یک برادر بزرگ‌تر و یک خواهر کوچک‌تر از خود دارد و به همراه پدر و مادر خود در شهر «هیروشیما» زندگی می‌کند. داستان فیلم در ابتدا بسیار کند پیش می‌رود و بیننده با زندگی روزمره سوزو همراه است. فیلم دارای شخص سوم به عنوان راوی تاریخ و سال‌های طی شده در آن است. شروع فیلم از ۸ ماه دسامبر سال ۱۹۳۵؛ یعنی چهار سال قبل از شروع جنگ جهانی دوم است. از همان ابتدا خیال و واقعیت باهم ترکیب شده و مرزی مشخص برای آن تعیین نمی‌گردد. سوزو هرآنچه برایش اتفاق می‌افتد را به شکل نقاشی شده و داستانی با مداد و آبرنگ کشیده و به خواهرش نشان می‌دهد. از همان ابتدا برای بیننده مشخص می‌شود که سوزو دختری بدون مسئولیت و خیال‌پرداز در خانه پدری خود است. او در مدرسه نیز به عنوان دختری هنرمند؛ اما سربه‌هوا معروف است. در ۱۸ سالگی توسط خانواده پسر، شساکو، خواستگاری شده و به علت رضایت خانواده‌اش به شهری که خانواده همسرش هستند، کوره^{۶۲} نقل مکان می‌کند. او در کوره به همراه همسر و پدر و مادر او در یک خانه شروع به زندگی کرده و گاهی خواهر شوهرش، کیکو که همسرش را از دست داده، به همراه دختر کوچک خود «هارومی» به آن‌ها ملحق می‌شود. زندگی در این فیلم کاملاً به صورت اتفاقات روزمره نمایش داده می‌شود. سوزو همچنان سربه‌هوا و خیال‌پرداز است و در مواقع بیکاری به نقاشی می‌پردازد. در سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم شروع شده، سربازان ژاپنی مجبور به رفتن به میدان جنگ شده تا از سرزمین خود دفاع کنند؛ اما سوزو همواره درکی از جنگ نداشته و با وجود نایابی مواد غذایی و سرباز شدن همسرش فکر می‌کند همه چیز خیال است. در این فیلم به بسیاری از افسانه‌های تاریخی ژاپن و نوع پوشش و آداب و رسوم روزمره آن‌ها نیز اشاره می‌شود. به مرور جنگ سخت‌تر شده و نیروهای دشمن جنگنده‌های خود را به داخل شهر می‌اندازند. از اینجا دیگر سوزو به مرور تغییر می‌کند. او هنوز هم در رؤیای خود سیر کرده و سعی می‌کند دردها را با نقاشی کردن آن‌ها در ذهنش آسان‌تر کند.

جنگ سخت‌تر می‌شود و سوزو تبدیل به فردی می‌شود که می‌تواند شرایط جنگی و مجروحان را خوب کنترل کند. کم‌کم از آن دختر سربه‌هوا و سرخوش چیز زیادی باقی نمی‌ماند. سوزو در جنگ، پدر، مادر، برادر و دختر خواهر شوهر خود را از دست می‌دهد و با خیال‌پردازی به «بودن» و درست شدن اوضاع در ذهنش ادامه می‌دهد. فیلم به چند سال پس از جنگ و تغییر اوضاع و عادت مردم به شرایط نیز می‌پردازد. «انسان» و تغییرات روحی و روانی او در روند جنگ که به نوعی عادت می‌انجامد، از مهم‌ترین ویژگی‌های این انیمیشن است.

کهن‌الگو	عناصر سازنده روان انسان، راه یافته به ضمیر آگاه انسان، متجلی در عقده‌ها و فرهنگ.
آنیما	وجه زنانه درون یک مرد، عاملی ناخودآگاه که در ابتدا با مادر شخص یکی است.
آنیموس	وجه نرینه درون یک زن، یک عقده شخصی مطابق با مفهوم پدر شخص.
پیرخردمند	راهنمای انسان در هیئت‌های گوناگون برای گذر از مراحل سخت زندگی.
سایه	بخش تاریک وجود انسان که باید برای تعالی از آن گذر کند.
پرسونا	پوششی محافظتی از درون برای ایجاد رابطه با جهان بیرون.

بنابراین می‌توان گفت با توجه به سیروسلوکی که شخصیت اصلی در فیلم به مرور پیدا می‌کند، می‌توان این دیدگاه یونگ را در آن مشاهده نمود. یونگ نیز همانند استاد خود، فروید، به آثار هنری و ادبی نگاه ویژه‌ای داشت. «راز آفرینش هنر عبارت است از غوطه‌ور شدن دوباره در حالت آغازین روح؛ زیرا از این پس در این سطح نه فرد بلکه گروه است که پاسخ‌گوی خواسته‌های واقعیت می‌شود. به این سبب شاهکار ادبی و هنری در اوج عینیت و غیرشخصی بودن چیزی را در اعماق وجودمان به ارتعاش در می‌آورد» (یونگ، ۱۷۸). یونگ بسیاری از مسائل فردی و جمعی را که در ناخودآگاه بشر مشترک است، درون هنر و ادبیات بررسی می‌کند. «هنرمند مفسر رازهای روح زمانه خویش است، بدون اینکه خواهان آن باشد؛ مانند هر پیامبر راستین، پاره‌ای وقت‌ها به‌طور ناخودآگاه و به شیوه آدم خواب و بیدار. او تصور می‌کند که از ژرفای وجود خود سخن می‌گوید؛ اما روح زمان است که از طریق دهانش سخن می‌گوید و آنچه که وی می‌گوید وجود دارد؛ زیرا تأثیرگذار است» (یونگ، ۱۳۹۹، ۲۴۲).

درباره انیمیشن

انیمیشن «در این گوشه دنیا»، توسط سونائو کاتابوچی در سال ۲۰۱۶ در کشور ژاپن ساخته شد. این فیلم در سبک درام و ضد جنگ بوده و روایتگر دوران قبل و بعد جنگ جهانی دوم و فاجعه هیروشیما است. این انیمیشن در سال ۲۰۱۶، برنده بهترین جایزه آکادمی فیلم ژاپن شد. این فیلم، به بازخورد جهانی خیلی خوبی دستیابی پیدا کرد و در سایت منتقدین راتن تومیتوز^{۶۰} نیز ۹۷ درصد رأی مثبت را از آن خود کرد. همچنین می‌توان به امتیاز آن در سایت آی ام دی بی^{۶۱} که ۸.۶ است، اشاره کرد.

⁶² Kure

⁶⁰ Rotten Tomatoes

⁶¹ IMDB

تحلیل و بررسی

صورت مخاطب است که تنها بر نفوسی در نقش عقل فعال ظاهر می‌گردد که در هستی زمینی خود حکمت ورزیده باشند.

در ادامه به بخش دیگری از حضور پیرخرمدند اشاره می‌شود. آن‌ها تابستان‌ها پیش مادر بزرگ خود رفته تا هندوانه‌های شیرین بخورند و چند روزی در کنار مادر بزرگ بمانند. روزی وقتی همه خواب بودند، دختری هم سن و سال خود را می‌بیند که فقیر است و بقایای هندوانه آن‌ها را می‌خورد. از خواب بلند شده و برای آوردن هندوانه جدید برای دختر به آشپزخانه می‌رود. این دختر، چند سال بعد در شهری دیگر وقتی به علت سربه‌هوایی راهش را گم کرده، بر او ظاهر شده و به پیدا کردن راه خانه کمک می‌کند.

پیرخرمدند، نمایشگر سرد و گرم چشیده روزگار محسوب می‌شود. او بر اساس تجارب خود به شخصیت درمانده راهنمایی می‌دهد و حوادث پیش رو را برایش شرح می‌دهد. در فیلم، هنگامی که برای سوزو خواستگار می‌آید، مادر بزرگ او را به اتافی صدا زده و کیمونویی جدید به او می‌دهد و این چنین با سوزو صحبت می‌کند: «رسم است داماد در شب عروسی می‌پرسد: آیا با خودت چتر به همراه داری؟ و تو می‌گویی: بله یک چتر نو آوردم. او می‌گوید: میشه بهم بدیش؟ بعد تو می‌گویی: بفرمایید. این رسم بالغ شدن است». بنابراین مادر بزرگ مانند یک پیرخرمدند راه‌رسم بلوغ را برای او شرح می‌دهد.

بنابر آنچه گفته شد، در این فیلم بارها پیرخرمدند بر سوزو ظاهر شده و به او کمک می‌کند، این پیر نه تنها به صورت یک هیئت؛ بلکه به صورت ندای غیبی نیز بر سوزو طنین‌انداز است.

آنیموس

تجسم نرینگی در ناخودآگاه زن را آنیموس می‌گویند. یونگ برای آنیموس همانند آنیما، وجه‌های منفی و مثبت را تعیین کرده؛ اما باید دانست از منظر یونگ، آنیموس بیشتر بر مبنای نگاه منطقی و مدبر مردانه در روان زن صورت گرفته‌است. در تحقیقات ون‌فرانز و اف ادینجر، آنیموس، تجسم آن اندیشه‌های آگاهانه، اصولی، سرد و بی‌سروسامانی است که زنان به‌خصوص وقتی از چیزهایی صرف نظر می‌کنند که انجامش از نقطه نظر احساسی تعهد می‌طلبد، به خلوت فکری خود راه می‌دهند. یونگ آتش را مظهر آنیموس بیان کرده که در فیلم بسیار این نشانه به کار رفته است. سوزو بارها در حال هیزم آوردن برای روشن کردن اجاق بوده و آن را در روز بارها مرتب می‌کند. سوزو پس از گذران زندگی با خانواده خود به کوره رفته و مسئولیت زندگی مشترک را به همراه خانواده همسر می‌پذیرد. به علت بیماری مادر شساکو، تمام کار خانه بر دوش او می‌افتد. سوزو که دختری غیرمسئول تلقی می‌شد، شب‌ها مجبور می‌شد برای آوردن آب با دو سطل به طرف چاه برود.

در این بخش، باید به تفکر منطقی و ایجاد راه برای دسترسی آسان به غذا و امداد رسانی‌های سوزو در شرایط جنگی نیز اشاره کرد. در شرایط جنگ، بسیاری از مواد غذایی کم‌یاب شده و مردم به سختی

بنابر تغییر و تحول روحی و جسمی که در آنیمیشن برای سوزو رخ می‌دهد، می‌توان نظریه «فرایند تفرّد» را برای آن پیاده‌سازی کرد. در این فیلم، ابتدا با دختری سربه‌هوا و سرخوش آشنا شده که شرایط و رویدادهایی که برایش اتفاق می‌افتد، او را به زنی مدیر و صبور تبدیل می‌کند. «فرایند فردیت، اغلب به وسیله سفری اکتشافی در سرزمینی ناشناخته، نمادین می‌شود. نظیر چنین سفرهایی را می‌توان در پیشرفت پیگلریم^{۶۴} اثر جان بانیان^{۶۳} یا کمدهی الهی داتته^{۶۵} یافت» (یونگ، ۱۳۹۹، ۴۳۰). بنابراین، رویدادهایی که برای سوزو اتفاق می‌افتد، خود گواه نوعی فرایند برای رسیدن به خود است.

شروع این رویدادها را می‌توان از ازدواج او با شساکو و رفتن به شهری جدید دانست که منجر به ایجاد اتفاقات دیگر برای او می‌شود. پس بنابر گفته یونگ، اگر به همه سیستم‌های مختلف شخصیت مانند آرکی‌تایپ‌های آنیما، آنیموس و امثال آن اجازه بروز، تفکیک و تکامل داده شود، شخصیت سالمی به وجود خواهد آمد که این روند را فردیت نامند. در ادامه به روند شکل‌گیری شخصیت در این فیلم براساس فرایند فردیت یونگ، پرداخته خواهد شد.

پیرخرمدند

در ابتدا به مفهوم «پیرخرمدند»، در آنیمیشن گفته شده، پرداخته می‌شود. پیرخرمدند، آن فردی است که خود را در هیئت‌های متفاوت به قهرمان داستان نشان داده و او را در مسیری که پیش رویش است، راهنمایی می‌کند. بنابراین آنچه به صورت رؤیا برای سوزو روی می‌دهد و ندایی که در آن برای درست کردن اوضاع برایش مسجل می‌شود را می‌توان نشانه‌ای از پیرخرمدند دانست. در همان ابتدای فیلم، کودکی سوزو را نشان می‌دهد که برای خرید از خانه بیرون رفته و پس از مدتی به علت سربه‌هوایی گم می‌شود. ادامه داستان در نقاشی‌های او برای خواهرش روایت می‌گردد که مرزی میان واقعیت و رؤیا نمی‌گذارد. او خود را درون سیدی نقاشی می‌کشد که بر روی شانه یک مرد گول‌پیکر است، درون سبد پسر دیگری حضور دارد که بعدها آن پسر به همسرش تبدیل می‌شود، پسر یا همان شساکو به سوزو می‌گوید که هیولا تا زمانی که هوا تاریک نشده، نمی‌خوابد. بنابراین سوزو برای نجاتشان فکر می‌کند و با تلسکوپ که در سید است و مداد مشکی که دارد، روی کاغذ ماه و ستاره و آسمان تاریک را نقاشی می‌کند.

کاغذ را به انتهای تلسکوپ چسبانده و به مرد نشان می‌دهد. مرد که فکر می‌کند شب شده، بر زمین افتاده و به خواب فرومی‌رود. سوزو و شساکو با این نوع نگاه سوزو نجات پیدا می‌کنند. پس پیرخرمدند به گفته پورنامدارایان، همان نفس آسمانی یا من ملکوتی یا نفس به

⁶⁵ Dante

⁶³ The Pilgrims Prigress

⁶⁴ John Bunyan

برنج و ماهی پیدا می‌کنند. سوزو با یادآوری افسانه‌ای به نام برنج کاسانوکی، برنج معروف سامورایی‌های قرن ۱۴ را درست می‌کند. این برنج با پیمان‌های زیاد آب درست شده که موجب باد کردن برنج می‌شوند؛ بنابراین برنج به صورت زیاد و پفکی در بشقاب دیده شده و به نوعی ذهن را گول و شکم را پر می‌کند.

در ادامه، وقتی همسرش به جنگ رفته، او تلاش می‌کند مدیریت خانه را به خوبی انجام دهد. به مرور حالت کودکانه خود را از دست داده و به جای ترسیدن و فرار هنگام وضعیت قرمز، به اوضاع خود و اطرافیان رسیدگی می‌کند. او یکی از معدود کسانی است که پس از فوران بمب‌ها، به کار تیمار مجروحان می‌پردازد.

یکی از اتفاقات دردناک فیلم، زمانی است که سوزو و هارومی، دختر خواهرشوهر او، با هم بیرون رفته‌اند. هارومی به دیدن جنگنده‌ها تمایل دارد؛ اما ناگهان وضعیت قرمز می‌شود. آن دو به یک پناه‌گاه وارد شده و سوزو سعی می‌کند با نقاشی کشیدن هارومی را آرام کند. آن دو به سلامت از پناه‌گاه بیرون آمده و به سمت خانه به راه می‌افتند. لحظه‌ای هارومی می‌ایستد تا کشتی‌های جنگی را ببیند؛ دو سرباز از بالای کوه فریاد می‌زنند که هنوز بسیاری از بمب‌های افتاده منفجر نشده‌اند و باید از آنجا به زودی دور شوند. در کسری از ثانیه بمبی منفجر شده و هارومی کشته و دست راست سوزو که دست او را گرفته قطع می‌شود. از اینجا به بعد اوضاع روحی او کاملاً تغییر می‌یابد. «توی دست چپم وسیله بود و در دست راستم، دست هارومی، من اون روز خیلی ترسیدم. اگر هارومی دست چپم را گرفته بود چی؟ باید هردو می‌دویدیم». سوزو در سکوت و با حال روحی دیگری به اوضاع کشور نگاه می‌کند. او با نوعی بی‌تفاوتی به نبود دست راست خود خو گرفته و فقط در خلوت گریه می‌کند.

در این حالت تلاش می‌کند به کارهای قبل از مجروح شدنش ادامه دهد. او با شرایط روحی خواهر شوهرش که همواره او را قاتل می‌داند نیز در سکوت کنار می‌آید. به مرکز شهر می‌رود و برای سربازان و جنگ‌زده‌ها با حصیر پاپوش درست می‌کند. شبی بمب بر شهر می‌افتد و بخشی از خانه آن‌ها آتش می‌گیرد. همه فرار کرده و به سمت پناهگاه می‌روند؛ اما سوزو با یک دست سطل آب آورده و آتش خانه را خاموش می‌کند. این‌ها بخشی از وجه نرینگی و منطقی درون سوزو است که در فیلم خود را در معرض نمایش قرار می‌دهد.

سایه

ون‌فرانز و اف‌ادینجر، سایه را حاوی عناصری دانسته که برای زندگی ارزش دارند و نباید با آن‌ها جنگید؛ بلکه می‌بایست آن‌ها را با زندگی ادغام کرد. به گفته یونگ، سایه فرد را با افرادی که پیش از او زیسته‌اند هم پیوند می‌دهد. بنابراین ازدواج سوزو با پسری که نمی‌شناسد و خانواده‌اش را او پذیرفته‌اند از اولین لایه‌های سایه در فیلم است. سوزو از شخصیت‌هایی محسوب می‌شود که همواره در حال پذیرش شرایط اطراف خود است.

«پس اگر سایه را بخشی از خود بدانید، دیگر خود را فقط فاعل نمی‌بینید؛ بلکه گاهی نیز مفعول هستید، به علاوه چیزی را شامل تمامیت خویش می‌کنید که تحت نظارت خودتان نیست: تنها محتویات خودآگاه است که در کنترل شماست» (یونگ، ۱۳۸۷، ۲۰۸). در اینجا می‌توان به همیشه در خیال بودن سوزو اشاره کرد. در همان اوایل فیلم، دوست او در کنار دریا نشسته و به سوزو می‌گوید که از دریا متنفر است. سوزو شروع به نقاشی از دریا می‌کند و خرگوش‌های بسیاری را در حال پریدن از روی آب نشان می‌دهد. نوع طراحی و رنگ‌آمیزی سوزو به گونه‌ای است که دست او می‌گوید نمی‌تواند دیگر از این دریا متنفر باشد.

در صحنه‌ای دیگر وقتی برای اولین بار دشمن شروع به بمب ریختن بر سر شهر می‌کند، او تمام بمب‌ها را در آسمان همانند لکه‌ای رنگ تخیل کرده و در ذهن خود نقاشی شب پر ستاره از ون‌گوگ^{۶۶} را یادآور می‌شود. سوزو وقتی پس از حمله شیمیایی هیروشیما، به هیروشیما بازمی‌گردد و از خواهرش خبر کشته شدن برادر، پدر و مادر را می‌شنود نیز در سکوت شرایط را می‌پذیرد. پذیرش شرایط در فیلم چشم‌نواز است. همواره همه پس از رویدادی خدا را شکر می‌گویند. «مدت‌هاست نمی‌دانم خوب یعنی چه! اما باز هم خدا را شکر». در اینجا شخص با ناخودآگاه خود روبه‌رو می‌شود و در مرحله پذیرش هر آنچه فکر می‌کرده نمی‌تواند تحمل کند، درمی‌آید.

نقاب

به گفته شولتس، نقاب از جمله کهن‌الگوهای مهم در زندگی انسان است و در حقیقت مانند صورتکی است که بر چهره می‌گذاریم تا خود را چیزی جز آنچه هستیم، بنماییم و این مانند نقش بازی کردن و اتخاذ رفتارها و گرایش‌های خاصی است که پاسخگوی نیازهای موقعیت‌های متفاوت یا افراد مختلف باشد. در این بخش فرد بدون توجه به تفکر و شخصیت خود، نقاب فرد دیگری را بر چهره خود می‌زند. نقاب همان شخصیت اجتماعی فرد تلقی می‌شود. بنابراین، سوزو که دختری با حالات و روحیه کودکانه است، مجبور به تحمل اتفاقاتی است که بتواند در جامعه زندگی کند. در همان ابتدا از مریضی برادرش صحبت می‌شود که سوزو به جای او به خرید جلبک می‌رود. سوزو که دختری غیرمسئول است، تن به مسئولیت کار برادرش و تعهدی که در زندگی دارد، می‌دهد. در ادامه به خاطر رضایت و شرایط جامعه، ازدواج کرده و بلوغ را تجربه می‌کند.

در صحنه‌ای هنگامی که همسرش از سربازی برمی‌گردد و نسبت به علاقه سوزو به خودش شک می‌کند، با اینکه به او علاقه دارد، سکوت کرده و نقابی بی‌تفاوت به خود می‌گیرد. او در هنگامی که همکلاسی سابق خود را می‌بیند و می‌فهمد آن پسر نیز به او علاقه داشته، به علت شوهردار بودنش به عشق خود اعتراف نمی‌کند. خواهر شوهر او بسیار اهل مد و خوش‌پوش است. او نوع پوشش سوزو و سادگی‌اش را مورد تمسخر قرار می‌دهد و سوزو مجبور به تلاش برای

66. Van Gogh

بنابر آنچه آمد؛ یونگ برای انسان مراحل رشد کردن و خودآگاهی را بیان کرده و آن را «فرایند فردیت» می‌خواند. این مراحل برای تحلیل و بررسی هر اثری که دارای لایه‌هایی از روان‌شناسی و روانکاوی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش مراحل بیان شده که شامل: پیرخرمدند، آنیموس، سایه و نقاب بوده، در انیمیشن «در این گوشه دنیا» مورد بررسی قرار گرفته‌است. این انیمه ضد جنگ و بنا بر نگاه ژاپنی‌ها، یادآوری روزگاری است که بر ژاپن گذشته، مردمان ژاپن با ایجاد یادواره‌هایی بر فراموشی جنگ و تلفات آن توسط نسل‌های بعد خط بطلان می‌کشند و در تلاشند آن رویداد را همواره یادآوری کنند. بررسی این انیمه و رویدادهایی که بر سوزو گذشته، منجر به شناخت مراحل درک و سلوک او برای رسیدن به خودشناسی می‌شود.

در این تحقیق فرایند فردیت با ظهور جنگ و اتفاقاتی نظیر ازدواج سوزو، شخصیت اصلی داستان بررسی شده و در نهایت به رشد و کمال سوزو اشاره می‌شود. شخص در این مراحل با دور شدن از هرگونه مراحل نفسانی و شر و بدی به گونه‌ای از تعالی می‌رسد. ضمیر ناخودآگاه با خودآگاه ادغام شده و انسان جدیدی به منصف ظهور می‌رسد. سوزو با تکیه بر خویشتن خویش و پذیرش هر آنچه که پروردگار برایش مقدر کرده، شرایط را به گونه‌ای دیگر می‌بیند. او با تحمل درد و رنج، به نوعی صلح با خود می‌رسد و از خودشناسی، کائنات و خدا و هستی را بهتر درک می‌کند. سوزو دیگر زندگی را نوعی بازی کودکانه نمی‌بیند، او در نهایت می‌فهمد زندگی ورای آن نگاه کودکانه و دل‌پذیر است. در نهایت سوزو آن دختر سربه‌هوا و بازیگوش به زنی بالغ و سخت‌کوش بدل شده که مسئولیت مادر شدن برای دختری را پذیرا می‌شود. بنابراین با توجه به مراحل بیان شده توسط یونگ، کهن‌الگوها و شخصیت‌های فیلم رمزگشایی می‌شوند.

دوختن لباس برای خود می‌شود. بنابراین پس از مدتی راه‌وروش پوشش و رفتار خواهر همسر خود را پیش می‌گیرد.

پس از صلح و آتش‌بس میان ژاپن و آمریکا، او چهره‌ی یک سرباز را به خود گرفته و به خاطر این آتش‌بس اعتراض می‌کند. «من هنوز یک دست و دو پا برای جنگیدن دارم». در این بخش او به تمام رنج‌ها و نبودن‌هایی که کشور متحمل شده می‌اندیشد. سلوک و تغییر او برای نوعی طی طریق در اینجا مسجل است. «چطور می‌توان این‌همه بی‌رحمی را تاب آورد؟» او همواره این سؤال را می‌پرسد و برای سرزمینی که مردمانش بدون جنگ در آن زندگی کند، غمگین است. سوزو در اینجا دیگر آن حالات کودکانه را ندارد؛ بلکه شرایط او را به زنی بالغ که علاوه بر شناخت و پذیرش خود به شناخت اطرافیان هم رسیده، تبدیل کرده‌است. سوزویی که خود همواره در عوالم کودکی به سر می‌برد، با موافقت همسرش، کودکی را به فرزندگی گرفته و با خود به خانه می‌برد. «کمال» و آنچه برای بزرگ شدن و مادر شدن درون یک زن نیاز است، در سوزو خود را نمایش می‌دهد.

ارکایل، فردیت را پایان سیروسلوک معنوی می‌داند؛ یعنی انسجام شخصیت و تحقق خود و دستیابی به تمامیت یا تلفیقی از اضداد هوشیار و ناهشیار که به پذیرش آنچه سرکوب شده و یافتن خود منجر می‌شود. بنابراین می‌توان کهن‌الگوهای بیان شده توسط یونگ را در انیمیشن «در این گوشه دنیا»، به خوبی مشاهده نمود. براساس مشاهدات و نتیجه‌گیری الگوهای چون پیرخرمدند، آنیما یا آنیموس، نقاب، سایه در شخصیت سوزو مشاهده شده و به رشد فکری او کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

منابع:

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۴). *یونگ و نمادپردازی دینی*؛ ترجمه احمدرضا محمدپور، قم نقد و نظر.
- بیلسنکر، ریچارد. (۱۳۸۷). *اندیشه یونگ*؛ ترجمه حسین پاینده، تهران: آشیان.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۱). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*؛ تهران: علمی و فرهنگی.
- حسینی، محمدرضا و موسوی، سعیده‌سادات. (۱۳۹۷). «مطالعه نقش داستان‌های مصور و انیمیشن در شکل دادن به مفهوم هویت ملی در ژاپن در مقایسه تطبیقی با ایران»، فصلنامه: مطالعات میان رشته‌ای ارتباطات و رسانه. دوره اول. شماره ۲.
- خردمند، بهاره و خردمند، مریم. (۱۴۰۰). «تحلیل نماد انسان در آثار منتخب علی‌اکبر صادقی بر پایه روان‌شناسی تحلیلی یونگ»، فصلنامه مطالعات هنر و رسانه. سال سوم. شماره ۵.
- زین‌العابدینی، پیام و تابنده، مینا. (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی نشانه-معناشناسی مضمون طلسم و جادو در انیمه شهر اشباح و انیمیشن سفیدبرفی و هفت کوتوله»، مجله رهپویه هنر. سال دوم. شماره ۳.
- شولتس، دوآن. (۱۳۶۹). *روان‌شناسی کمال*؛ ترجمه گیتی خوشدل، تهران: نو.

- شیردل، زهرا و رحیمی، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). «تحلیل اسطوره کودک رهاشده در شاهنامه از دیدگاه روان‌شناسی یونگ»، نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز. سال ۷۰. شماره ۲۳۶.
- طهماسبی، فریدون؛ حاتم‌پور، شبنم؛ سرخی، فرزانه و بیگدلی، نسرين. (۱۴۰۰). «تحلیل نموده‌های روانی اسطوره‌ها در شعر احمد شاملو و امل دنقل براساس اصل تضاد یونگ»، فصلنامه علمی ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی. سال ۱۷. شماره ۶۳.
- طهوری، نیر. (۱۳۹۱). ملکوت آینه‌ها؛ مجموعه مقالات در حکمت هنر اسلامی، تهران: علمی و فرهنگی.
- گلزاری، وجیهه و علی، شیخ مهدی. (۱۳۹۴). «تلفیق تک اسطوره سفر قهرمان و کهن‌الگوی زن وحشی در انیمیشن ژاپنی شهر اشباح (۲۰۰۱)»، دو فصلنامه نامه هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۵. شماره ۱۰.
- مصطفوی منتظری، سیده مینا؛ اوجاق‌علیزاده، شهین و عقدايي، تورج. (۱۴۰۰). «تحلیل رمان خانه پریان اثر تورج زاهدی بر مبنای الگوی فردیت یونگ»، فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی. دوره ۱۳. شماره ۴۸.
- مورنو، آنتونیو. (۱۳۹۹). یونگ خدایان و انسان مدرن؛ ترجمه داریوش مهرجویی، تهران: مرکز.
- نامورمطلق، بهمن و عزیزی یوسفکند، علیرضا. (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل کهن‌الگوها در اسطوره شاماران از منطقه موکریان براساس آرای یونگ»، فصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی. دوره ۷. شماره ۲۰.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۷). درآمدی بر اسطوره‌شناسی: نظریه‌ها و کاربردها؛ تهران: سخن.
- ون‌فرانز، ماری لوئیس؛ افادینجر، ادوارد. (۱۳۹۳). چهار مقاله یونگی (شناخت نفس، رویارویی با شخصیت مهتر، فرآیند تفرد، انسان کیهانی)، تهران: مهراندیش.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۹). روح و زندگی؛ ترجمه لطیف صدقیانی، تهران: جامی.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۵). انسان و سمبل‌هایش؛ ترجمه محمود سلطانی، تهران: دیبا.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۷). سمینار یونگ درباره زرتشت نیچه؛ ترجمه سپیده حبیب، تهران: کاروان.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۳). آیون؛ ترجمه پروین فرامرزی، مشهد: به شهر.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۶۸). چهار صورت مثالی؛ ترجمه پروین فرامرزی، مشهد: به شهر.

-Bain, Carl, E. Jerome Beaty, Paul. J. Hunter (1991). *The Norton Introduction to Literature*. New York: Norton and co.

-Bedford Ulanov, Ann. (2005). *Spirit in Jung*. Switzerland: Daimon Verlag.

An archetypical analysis of “In This Corner of the World” animation based on Jung’s "individuation process" perspective

Abstract

Japan is a country with an ancient and rich history. This historical country has gone through many difficult and smooth days. Japan was among the damaged countries during WWI and WWII. “In This Corner of the World” animation made in 2016 based on a manga –a visual novel or comic- is concerned with WWII and the "Hiroshima" incident. At the time, Japan was a grand empire that got involved in a war with China as a result of WWII.

The present study seeks to analyze “Suzu”, the leading character in this animation, based on Jung’s "individuation process" perspective. Through the individuation process, Jung encourages individuals to go through stages that would eventually lead them to growth and maturity. Hence, the present study aims to illustrate Suzu’s path of growth to reach the truth of life and her own truth based on the process proposed by Jung. The main question in the present article is how the individuation process can be applied to animation. The present study has been carried out based on the descriptive-analytical research method and takes advantage of desk data. Ultimately, the results indicated that the “In This Corner of the World” animation conforms to Jung’s "individuation process" theory and reflects the stages mentioned by Jung including the wise old man, mask, shadow, anima, and animus.

Keywords: Jung, individuation process, animation, in this corner of the world, psychoanalysis, Japan, WWII, archetype.